

### متن پرسش

سلام علیکم ۱- آیا قبض معنوی همیشه نتیجه گناهان است یا این حالت می تواند نوعی ابتلاء و امتحان هم باشد؟ ۲- آیا اولیاء و معصومین نیز دچار قبض معنوی می شوند؟ اگر دچار این حالت می شوند، آیا باز هم در همان حال از مناجات لذت می برند؟ ۳- آیا زمانی که از مناجات و اعمال مستحبی لذت نمی بریم، عمل کردن به آنها خوب است؟ آیا انجام مستحبات مثل نماز شب در عین لذت نبردن خوب است؟ آیا باعث عادت نمی شود؟ ۴- چگونه می توان همواره در حال بسط معنوی به سر برد و همواره از مناجات لذت برد؟ آیا اصلاً این حالت دائمی از لحاظ عملی امکان پذیر است (با توجه به حدیثی از امیر المومنین که به اقبال و ادبار قلوب اشاره دارند)؟ ۵- فرق عادت با ملکه شدن اعمال حسنه چیست؟ چون در هر دو انجام اعمال حسنه برای انسان آسان می شود ولی یکی خوب است و دیگری قبیح (فسنیسه لیسری) با تشکر

### متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی ۱- ابداً این طور نیست که قبض‌های معنوی همیشه به جهت گناهان باشد. ۲- به جز معصوم «علیهم‌السلام» بقیه دارای قبض هستند منتها چون مبادی آن را می‌شناسند در آن حالت هم خواهند گفت: «در بلا هم می‌چشم الطاف او... مات اویم، مات اویم، مات او». ۳- رویهم‌رفته نباید مستحباتی که در برنامه‌ی خود قرار داده‌ایم مثل نماز شب در حین قبض ترک کنیم، ولی اصرار هم بر انجام همه‌ی آنها نداشته باشیم که قلب خسته شود. به طوری که حضرت علی «علیه‌السلام» می‌فرمایند: «لِكُلِّ إِقْبَالٍ إِدْبَارٌ» هر اقبال و رو آوردنی را ادبار و پشت گردانیدنی باشد. اگر هم عادت شود وقتی قلب به صحنه آمد همان عادت در زمره‌ی اعمال معنوی قرار می‌گیرند. ۴- فکر نمی‌کنم باید چنین انتظاری را داشته باشیم ولی مواظب باشیم خودمان با دامن‌زدن به آرزوهای دنیایی و غضب و کبر، عامل قبض نباشیم. ۵- در ملکات انسان با همان حضوری که عملی را در قبل انجام می‌داده، ادامه می‌دهد ولی در عادت صورت عمل هست ولی حضور در آن عمل نیست. موفق باشید